



۱۴

پنداران ادیان و فرق

sarabehaghat.ir

ماهنامه اینترنتی ادیان و فرق / فروردین ۱۴۰۵ / قم / شماره چهاردهم

پرونده ویژه

نقد و بررسی آسترولوژی





آسترو لوژی زیر ذره بین: فروپاشی یک باور بی پشتوانه

● یادداشت سردبیر

این شماره، دعوتی است به بازنگری جدی این موضوع که اگر قرار است چیزی را درباره جهان بپذیریم، باید بتوانیم از آن دفاع کنیم. آسترو لوژی از این آزمون سربلند بیرون نمی آید.

آنچه در این شماره می خوانید، تلاشی برای کنار زدن یکی از ماندگارترین خطاهای شناختی بشر یعنی باور به آسترو لوژی است. برخلاف تصور رایج، مسئله صرفاً یک سرگرمی بی ضرر یا سنتی فرهنگی نیست؛ بلکه با ساختاری مواجهیم که در قالبی فریبنده، ادعای تبیین و پیش بینی واقعیت را دارد، بدون آنکه از حداقل معیارهای یک نظام معرفتی معتبر برخوردار باشد.

مسئله اصلی اینجاست که آسترو لوژی نه علم است، نه حتی شبه علم منسجم؛ بلکه مجموعه ای از گزاره های تأییدناپذیر است که با تکیه بر ابهام، تعمیم پذیری افراطی و خطاهای روان شناختی مانند اثر بارنوم، خود را باز تولید می کند. تداوم این باور، بیش از آنکه به «راز آلودگی جهان» مربوط باشد، به ضعف در تفکر انتقادی بازمی گردد.

در جهانی که داده، تحلیل و روش علمی معیار تصمیم گیری هستند، پناه بردن به الگوهای ستاره بینی نه تنها کمکی به فهم واقعیت نمی کند، بلکه می تواند فرد را در چرخه ای از تفسیرهای نادرست و تصمیم های غیر عقلانی گرفتار کند. این دقیقاً همان نقطه ای است که باید با آن مواجه شد، نه اینکه با زبان ملایم از کنار آن عبور کرد.

نام نشریه: ماهنامه سراب حقیقت **موضوع:** بررسی و نقد ادیان، فرق و جریانات انحرافی / فروردین ماه 1405 / **صاحب امتیاز:** گروه فرهنگی تبلیغی سراب حقیقت / **مدیر مسئول:** محمد جواد نصیری / **سردبیر:** امین رضایی نژاد / **گرافیک:** تیم رسانه ای سراب حقیقت / **هیئت تحریریه:** اعضای هیئت تحریریه اندیشکده پندار؛ علیرضا روزبهانی، مهدی بیاتی، عبدالرحیم بیرانوند، حسین عرب، امین رضایی نژاد، محمد جواد نصیری، مهدی نعمتی، مهدی سراقی / **راه ارتباطی در پیام رسان ایتا:** 09909141315 فقط به صورت پیامکی

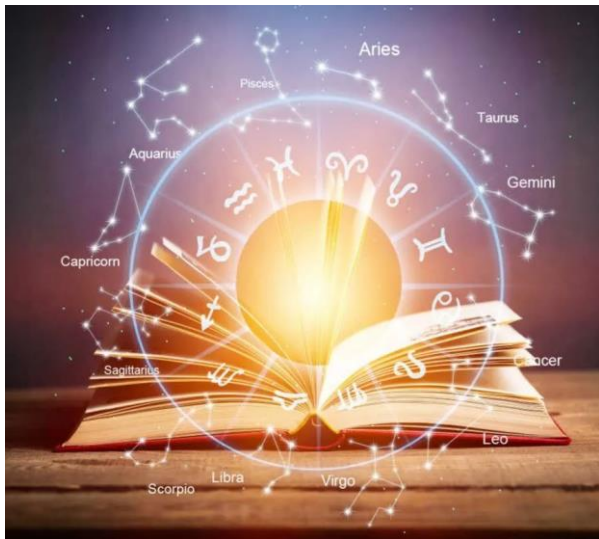
آدرس سایت، تلویزیون اینترنتی و شبکه های اجتماعی:

sarabehaghighat.ir
apararat.com/sarabehaghighat
@sarabehaghighat

آسترولوژی چیست و چه ادعایی دارد؟

و ادعاهایش در آزمون‌های تجربی رد شده‌اند. از نظر عقلی نیز تعمیم دادن چند الگوی کلی به همه انسان‌ها خطا و نوعی تفکر جادویی است.

نقد دینی آن نیز بر این پایه است که نسبت دادن تأثیر مستقل به اجرام آسمانی نوعی خرافه و اتکا به غیرخدا محسوب می‌شود و روایاتی از اهل بیت بر منع اتکا به چنین اعمالی است. مشکل جدی‌تر زمانی است که برخی، با تکیه بر این محتواها، دست به پیگشویی، دستکاری ذهنی یا هدایت تصمیم‌های مهم می‌زنند و افراد را از استقلال فکری دور می‌کنند.



آسترو: (Astro) واژه‌ای یونانی به معنای «ستاره» و در حالت گسترده‌تر «اجرام آسمانی».

لوژی: (Logy) از واژه یونانی Logos، به معنای «گفتار، دانش، مطالعه، بررسی».

در اصطلاح به مجموعه باورهای گفته می‌شود که ادعا می‌کنند موقعیت ستارگان و سیارات هنگام تولد انسان، بر شخصیت، سرنوشت و رفتار او اثر می‌گذارد. این حوزه علم محسوب نمی‌شود و از نظر تجربی و منطقی پشتوانه‌ای ندارد.

جریان آسترولوژی و پیشگویی و تصمیم‌گیری بر اساس موقعیت ستارگان و سیاره‌ها، امروز در شبکه‌های اجتماعی به صورت گسترده بازنشر می‌شود و بسیاری آن را ابزاری برای شناخت شخصیت، پیش‌بینی آینده و حتی تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی می‌دانند. این رواج بیشتر ناشی از جذابیت روایت‌های ساده، محتوای سرگرم‌کننده و الگوریتم‌هایی است که محتوای احساسی را تقویت می‌کنند. اما از نگاه علمی، آسترولوژی هیچ پشتوانه تجربی ندارد؛ موقعیت ستارگان تأثیری بر خلق و خو یا سرنوشت انسان نمی‌گذارد.

آسترولوژی؛ مخدر ویرانگر دنیای مدرن

حجت الاسلام دکتر میثم قاسمی



بی ریشه در واقعیت جاری در هستی و همه آن فقط تصویرسازی برساخته و پیچیده شده در قرائن متناسبی است که از این منظر که رابطه مستقیمی با سرنوشت پیدا کرده است مورد توجه قرار می‌گیرد آنچنان که علم به خرافه بودن و بی‌پایگی آن هم نمی‌تواند همه تاثیر تصویرسازی پرطمطراق آن را از میان بردارد.

از این رو است که شبه علم‌ها همواره در موضوعاتی خودنمایی می‌کنند که اولاً علم و استدلال بشر راهی به کشف آن نیافته‌اند و ثانیاً بسیار سرنوشت‌ساز و وجودی هستند، حال تصور کنید به این دو ویژگی یک بعد دیگر نیز اضافه شود و آن بهره‌برداری شبه علم‌ها از فطرت معناخواه و مفسر کلیت حیات و هستی با زبان معنوی و مدعی اتصال آدمی با حقایقی فراتر از مختصات مادی انسان است؛ نقطه مرکزی این مثلث را چنانچه در نظر بگیرید، دقیقاً انسان سرگشته در بحران امروز جهان مدرن را خواهی یافت که سرگشته برای رهایی از رنج بی‌نهایت و خسته از دانش مادّه زده تجربه‌گرا، جهان‌تهی از معنا را به کناری نهاده است و آماده است آگاهانه هرچند خرافه یا شبه علمی مانند اختربینی و آسترولوژی را به آغوش بکشد باشد که لختی او را از این جهان بی‌بنیاد نجات دهد و عقل محاسبه‌گر به بن بست رسیده را چندی به خلسه خودخواسته رؤیا پردازی حوالت بدهد.

یک معادله روشن و قابل اتکاء در فلسفه عمل اسلامی در باب برانگیختگی هیجانی و به دنبال آن تحقق عمل و رفتار آدمی وجود دارد که توجه به آن می‌تواند چرایی رواج شبه علم و پناه بردن انسان به سوژه‌های خودساخته خرافی را با همه گزافه‌گی و بی‌بنی تا حدود زیادی روشن کند؛ اگر در صدد باشیم این معادله را ساده سازی شده و روان بیان کنیم می‌توان آن را این گونه تعبیر کرد: «تاثیر مستقیم باور تصور شده با سرنوشت وجودی انسان»؛ به این معنا که هر چقدر باور و تصویری که برای ذهن تداعی می‌شود رابطه مستقیمی با حل معمای بقاء و کمال آدمی داشته باشد این گزاره و صورت ذهنی بیشتر مورد توجه و اقبال قرار می‌گیرد و هرچقدر صورت‌پردازی و تصویرسازی پرنقش و نگار و دارای شاخ و برگ و برخوردار از قرائن و مناسبات بیشتر در این تداعی‌گری درکار باشد، میزان اقناع‌کنندگی و جلب توجه نفس به آن تصویر بیشتر خواهد بود، چرا که ذهن در چنین حالتی توانسته است یک الگوی مانوس از مواجهه با تصویرهایی که می‌تواند به آن اتکاء کند پیدا کرده است غافل از این که تصاویر محسوس روزمره در موارد زیادی تنها گوشه‌ای از واقعیت در جریان است اما آنچه در شبه علم تصویرسازی می‌شود

گرفت و در نهایت احساس تسلیم و بی‌عملی وجود جامعه را فرا خواهد گرفت و اینجا است که جامعه خرافه زده که به تماشای تاریخ نشسته است توسط قدرتمندان واقعیت تلخ ناکامی را خواهد چشید.

شبه علم امروز به مثابه مخدری قدرتمند برای خاموشی اراده و حرکت عمومی مردم به کار گرفته شده است و به رغم ظاهر جذاب و در مواردی مدعی تدین و مذهب، به سان دیگر ابزارهای استثمار و عقب‌ماندگی ملتها کاملاً آگاهانه و بر اساس برنامه روشن در حال ترویج است؛ از این رو تا دیر نشده باید برای رسوایی و البته مبارزه با این جریان کمر همت بست چرا که شاید فردا دیر شده باشد.

اینجا است که آسترولوژی دست برتری بر بسیاری از رقبیان پیدا می‌کند چرا که دستکم دو هزاره است که با بافتن و ساختن تأثیری آسمانی و کیهانی بر اجرام زمینی و بهره‌برداری از برخی گزاره‌های فلسفه هلنیستی (دوران یونانی-مآبی) و بعضاً افلاطونی و تنیدن تار پریچ گزاره‌های کیهان‌شناسی در هر عصری میل کسانی به ارتباط با عالم غیب را تأمین کرده است و دکانی دو نبش برای سرگرمی طبقه خاصان و استثمار دونان برآورده است و به این ترتیب به جای داستان هزار و یک شب، هزار و یک داستان بی‌سروته برای هر شب ساخته که با نظاره در آسمان بی‌انتها و توهمات بی‌مبنا هر شب سازی بنوازد و عقل آدمی را به کناری وانهد و جلوه الحاد و روح معنویت جویی را همزمان با تفسیری مادّی از جهان ستارگان ترویج کند.

البته آسترولوژی و آسترولوژی پرستان را ملامتی نیست؛ خطر آنجا است که در دنیای جدید این شبه علم خرافه محور با چنین قدرت تخریب‌گری، از طریق فضای زیست فرهنگی که امروزه به آن فضای مجازی می‌گویند مبنای اعتقاد و عمل بخش زیادی از مردم از همه جا بی‌خبر قرار بگیرد؛ گاهی دلها را بلرزاند و گاهی امید واهی بسازد و در هر دو صورت عقل را از میدان تعقل و تصمیم خارج کند؛ در این صورت بنای عقلانیت رو به تزلزل خواهد انجامید اراده‌ها همواره در معرض تردید قرار خواهد

آیا آسترولوژی ارزشش را دارد؟

دکتر حمیدرضا مظاهری سیف



چند ماه پیش یک نفر برای اینکه اثبات کند آسترولوژی درست است و مرا از نقد کردن مدعیان این کار بازدارد، تاریخ و ساعت تولد مرا گرفت و چند صفحه ویژگی های مرا توضیح داد که تقریباً همه اش اشتباه بود. به او گفتم تو از وضعیت آسترولوژی پدر و مادر من خبر نداری و بعضی از این ویژگی ها که می توانست در من باشد، تحت تأثیر ویژگی های والدینم اثرشان خنثی شده است. گذشته از اینکه من در فلان زمینه تحصیل کرده ام و فلان شغل را دارم و این هم باعث شده است که برخی دیگر از این ویژگی ها در من ظاهر نشود یا تغییر کند و الان اینکه می گویی من نیستم. گذشته از اینکه لحظه به لحظه وضعیت آسمان تغییر می کند و با روز و ماه و سال و حتی ساعت نمی توان همه واقعیت را کشف کرد. برای همین است که حتی برادرهای دو قلو هم در اخلاق و رفتار و افکار و استعدادها و سرنوشت با هم تفاوت پیدا می کنند.

حالا سوال من این است که با توجه به ناقص بودن این دانش و نتایج نادرستی که دانش ناقص به بار می آورد آیا آسترولوژی ارزشش را دارد که کسی وقت بگذارد و این مطالب را جمع کند و شروع کند به انتشار پیش بینی های ضد و نقیضی که هم آبروی خودش را می برد و هم احساسات و افکار دیگران را به بازی می گیرد.

پیشگویی از روی وضعیت اجرام سماوی یک دانش وسیع و پیچیده است و بر اساس ریاضیات و محاسبه درجات و فواصل و نسبت های دقیق انجام می شود. مدعیان آسترولوژی امروزه هیچ چیز از دانش نجوم و محاسبات آن نمی دانند. حتی اگر دستشان را بگیری و بری زیر آسمان و به ستاره ها اشاره کنی آنها را نمی شناسند. کاری که می کنند این است که کاتالوگی از وضعیت آسمان در روزها و ساعات مختلف در دست می گیرند و بر اساس کتاب یا نرم افزار راهنمای طالع بینی داستان های یکنواخت را برای افراد مختلف روایت می کنند.

کتابها یا نرم افزارهای مورد مراجعه مدعیان آسترولوژی آثار بروج و چند عامل ساده دیگر را بیان کرده اند و با نگاه کردن به این کاغذها یا نرم افزارها پیش گویی می کنند.

مثلاً زمان تولد شما را می گیرند و از روی کتاب وضعیت شما را می گویند. بدون اینکه بدانند در آسمان چه خبر است. یا زمان تحویل سال یا فلان ساعت و فلان روز از فلان ماه را در نظر می گیرند و شروع می کنند به داستان سرایی که چنین می شود و چنان می شود. در حالی که این آثار سطحی تحت تأثیر ده ها عامل دیگر تغییر می کند و گاهی نتایج کاملاً برعکس می شود.

بازار گرم پیش‌گویی، ستاره‌بینی و طالع‌بینی با پوشش‌های مذهبی و وطن‌دوستی/مصاحبه



مهدی نعمتی

در همین مسأله، برخی از افراد فعالیت‌های خود را ابتدا با تحلیلگری بازارهای مالی و بورس آغاز کرده، اما به تدریج به سمت ادعاهای معنوی و باطنی‌گرایانه گرایش می‌یابند. این افراد در کنار تناقضات و اشتباهات فاحش پیشگویی‌هایشان به طور مستمر از «امید به آینده» و «تشکیل امپراطوری بزرگ ایران» سخن می‌گویند، در حالی که، از گفتن احتمال تجزیه کشور نیز ابایی ندارد. امیدآفرینی و ایجاد هراس، همواره دو مؤلفه‌ی هیجانی پرکاربرد در تکنیک‌های این پیشگوهای مجازی بوده است.

۱. پرسش اول: وجه تمایز این پدیده‌ها با پیشگویان سنتی چیست؟

تفاوت اساسی آسترولوژیست‌های امروزی با ستاره‌بین‌های سنتی، در پوشش‌ایدئولوژیک و ابزارگفتمانی آنهاست. در گذشته طالع‌بین‌ها عموماً در حاشیه قرار داشتند، فعالیت‌هایشان به صورت زیرزمینی و مخفیانه بود و اقبال عمومی محدودی داشتند.

امروزه این افراد در بستر توسعه زیرساخت‌های ارتباطی اینترنتی و فضای مجازی و با تکیه بر گفتار انقلابی، میهن‌دوستانه و ادبیات حامی مردم، پا به عرصه‌ی کنش‌گری اجتماعی گذاشته‌اند. این پوشش، در وهله اول، سپردفاعی ظاهراً قدرتمندی در برابر منتقدین ایجاد می‌کند. اما این سپر، پوشالی و فاقد پشتوانه‌ی عقلانی و دینی است.

با ظهور و گسترش فضای مجازی، شاهد افزایش فعالیت‌های شبه‌معنوی و باطنی‌گرایانه در قالب‌های مختلف هستیم. یکی از این پدیده‌ها، احیای مجدد علوم خرافی و باطنی‌گرایی مانند ستاره‌بینی (آسترولوژی و تنجیم) است که با استفاده از ادبیات انقلابی و میهن‌دوستانه، تلاش می‌کنند اعتماد عمومی را جلب نمایند. این موضوع به ویژه در اغتشاشات اخیر از اهمیت بسیاری برخوردار بود. در این زمینه، آقای مهدی نعمتی پژوهشگر معنویت‌های نوظهور، به بررسی این جریان انحرافی و خطرات آن پرداخته است که در ادامه حاصل این پژوهش را با شما خوانندگان گرامی به اشتراک می‌گذاریم.

همزمان با برجسته‌سازی فعالیت‌های شبه‌معنوی و باطنی‌گرا در فضای مجازی، شاهد احیای مجدد علوم خرافی و باطنی‌گرایی همچون ستاره‌بینی (آسترولوژی و تنجیم) هستیم.

این جریان در میان طیف‌های مختلف عقیدتی، سیاسی و فرهنگی، چهره‌های نوظهوری را به صحنه آورده است که با ظاهری مذهبی و بهره‌گیری از ادبیات انقلابی و میهن‌دوستانه، تلاش می‌کنند اعتماد عمومی را جلب نمایند.

این افراد با استفاده از آسترولوژی، مدعی پیش‌بینی‌های «یقینی» در مورد آینده سیاسی، امنیتی و اقتصادی کشور هستند.

وقتی فردی با ظاهر ایمانی و انقلابی برای مخاطبین متدین سخن می‌گوید، سطح انتقادپذیری عمومی به شدت پایین می‌آید. همچنین، دسترسی سریع و تکرار مداوم محتوای آنان در فضای مجازی، زمانی که با ضعف عقلانیت و شرایط بحرانی جامعه مواجه شود، ضریب نفوذ را به شکل تصاعدی افزایش می‌دهد.

۲. پرسش دوم: **خطرات فرهنگی ناشی از این التقاط (آسترولوژی + پوشش انقلابی) چیست؟**

خطرات این جریان معنوی، باطنی‌گرا و شبه علمی، در سه سطح اساسی قابل ارزیابی است:

۱) سطحی‌سازی و ابزاری‌سازی دین: مروجان آسترولوژی با پوشش مذهبی، منابع دینی مانند قرآن و روایات را به ابزاری برای توجیه و حقانیت بخشی فعالیت‌های خود تبدیل می‌کنند. این رویکرد، اعتبار مفاهیم و منابع دینی را از بین می‌برد.

باور به اینکه سرنوشت ملی می‌تواند بر اساس موقعیت اجرام آسمانی تعیین یا تغییر یابد، در واقع ایمان به جبر کیهانی را جایگزین توکل فعال و اراده‌ی جمعی مؤمنانه که مبتنی بر بندگی و سنت‌های الهی است، می‌نماید.

تداوم این روند، منجر به تضعیف عقلانیت دینی و ترویج ایمانی احساس‌گرایانه و خرافی خواهد شد.

۲) تأسیس مرجعیت فکری باطل: وقتی فردی با مبانی معرفتی ناقص و غلط، ادعاهای پیش‌گویی مبتنی بر تنجیم دارد و مخاطبین هزاران نفری را گرد خود جمع کرده است، ناخواسته به یک مرجعیت فکری و رسانه‌ای کاذب تبدیل می‌شود.

مرجعیتی بر پایه‌ی وهم، خرافه و معارف التقاطی و شبه علمی بنا شده است. این امر باعث می‌شود که مردم در مسائل مهم ملی و اجتماعی، به جای مراجعه به منابع معتبر علمی، فکری و دینی، به پیش‌بینی‌های مبهم و وهم‌آلود آسترولوژی توجه کنند.

نگاه امیدوارانه و وعده‌ی نصرت و فتح در آینده، زمانی ارزشمند است که بر پایه‌ی عقلانیت و سنت‌های الهی (استقامت، اخلاص، مقاومت و بصیرت) باشد، نه بر اساس چارت‌های نجومی و خرافی‌گرایانه.

۳. پرسش سوم: **چرا این پیش‌گویی‌ها برای مردم در شرایط بحرانی جذاب است؟**

یکی از مهم‌ترین علل روان‌شناختی، نیاز بنیادین انسان به کنترل و پاسخ در مواجهه با عدم قطعیت است.

برای رهایی از آشوب ذهنی و روانی ناشی از بحران‌ها، انسان حاضر است به پاسخ‌های کاذب تن دهد.

آسترولوژیست‌ها بدون هیچ سند و مدرکی، به مخاطبین‌اش این توهم کنترل را می‌دهد. این عدم قطعیت و بدنبال پاسخ بودن در بحران‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی بسیار تشدید می‌شود و افرادی که ضعف در مبانی معرفتی دارند، بیشتر به این افراد و کانال‌های پیشگویی متمایل می‌شوند.

۴. پرسش چهارم: **خطر افرادی که از وجاهت دینی یا سیاسی وارد فضای پیش‌گویی می‌شوند چیست؟**

این نوع نفوذ، بدترین شکل انحراف معرفتی است. کسی که از اعتبار خود به عنوان یک رجل دینی، سیاسی استفاده می‌کند تا وارد حوزه‌ای نظیر پیشگویی



به گونه‌ای که امیدواری و وعده‌ی نصرت حقیقی در گرو بندگی، عقلانیت، تلاش، اخلاص و ایمان واقعی به سنت‌های الهی معنا پیدا کند، نه در محاسبات کیهانی و زایچه‌های طالع بینی.

استفاده ابزاری از ادبیات دینی و انقلابی در راستای احیای علوم خفیه و رازورزانه و باطنی، تضعیف عقلانیت و تاسیس مرجعیت فکری باطل توسط آسترولوژیست‌های مجازی، از آسیب‌های آشکار رشد این جریان‌ها است. فضای مجازی اکنون بهترین و ارزان‌ترین ابزار برای فعالیت این جریان‌های انحرافی است.

مبتنی بر تنجیم شود که فاقد صلاحیت علمی و دینی و تجربی است، فی الواقع در حال آلوده‌سازی معرفتی مخاطبان خود است.

اعتبار او در جایگاه مشروع (دینی یا سیاسی)، به عنوان جواز ورود و مشروعیت بخشی به یک گفتار خرافی عمل می‌کند.

جامعه نباید اجازه دهد که جایگاه اجتماعی یا اعتبار علمی، به ابزاری برای ترویج خرافات و تحلیل‌های رازورزانه و شبه علمی تبدیل شود. در پایان باید گفت: مقابله با این جریان انحرافی مستلزم تقویت بنیان‌های معرفتی جامعه است؛

تقلیل انتظار فرج به چارت‌های ستاره‌بینی؛ انحرافی خطرناک در معنویت معاصر / مصاحبه

مهدی نعمتی



سرنوشت افراد، بلکه تحولات بزرگ جهانی را نیز پیش‌بینی کنند.

ادعای پیشگویی زمان ظهور؛ انحراف از اصل اعتقاد دینی

وی افزود: یکی از موضوعات مهم و حساس در باورهای دینی بحث ظهور منجی موعود است که در ادیان مختلف به ویژه اسلام به آن پرداخته شده است. اخیراً یکی از مدعیان دروغگوی آسترولوژی بیان داشته که با استفاده از چارت‌های ستاره‌شناسی و طالع‌بینی، زمان دقیق ظهور امام زمان را مشخص کرده است.

این پژوهشگر معنویت‌های نوظهور با تأکید بر اینکه این ادعاها هم به لحاظ محتوا و هم از حیث ابزاری مورد نقد و اشکال اساسی است، ابراز داشت: علاوه بر اینکه از منظر علمی و عقلی جایگاه محکمی ندارند، از نگاه دینی و اجتماعی نیز پیامدهای زیانباری به همراه دارند. آسترولوژی باوری است که ادعا می‌کند موقعیت اجرام آسمانی مانند ستارگان و سیارات بر رویدادهای زمینی و سرنوشت انسان‌ها تأثیر مستقیم دارد.

تفاوت آسترولوژی و علم نجوم؛ مرز علم و شبه علم

وی ادامه داد: اگرچه این باور قدمتی چند هزارساله دارد و در فرهنگ‌های مختلف طرفدارانی پیدا کرده است، اما از دیدگاه‌های علمی، فلسفی و منطقی با نقدهای جدی روبه‌رو بوده است. آسترولوژی و ادعاهایش بر پایه مشاهدات قدیمی و فرضیاتی بنا شده که هیچ‌گاه اثبات نشده‌اند. این دقیقاً همان چیزی است که آن را از علم جدا می‌کند و آن را در

در روزهایی که بازار پیش‌بینی‌های نجومی و طالع‌بینی‌های مجازی داغ شده و حتی برخی پا را فراتر گذاشته‌اند و از طریق چارت‌های ستاره‌ای، زمان ظهور امام زمان (عج) را محاسبه می‌کنند، پرسش مهمی پیش‌روی مخاطبان قرار دارد: چه نسبتی میان این موج ستاره‌بینی و باور مهدویت وجود دارد؟

در ظاهر شاید این گرایش‌ها بی‌ضرر به نظر برسند، اما پشت صحنه آنها، مفهومی بسیار حساس در اعتقاد شیعی یعنی «انتظار» در حال تقلیل به یک بازی عددی و شبه علمی است.

افزایش کانال‌ها و صفحات مدعی کشف زمان ظهور نشان می‌دهد که خطر خرافه‌گرایی معنوی تنها مسأله‌ای حاشیه‌ای نیست، بلکه به باورهای اصیل دینی و سرمایه اعتقادی جامعه منتظر نزدیک شده است. برای بررسی این موضوع با «مهدی نعمتی»، پژوهشگر حوزه معنویت‌های نوپدید گفت‌وگو کرده‌ایم؛ گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید.

تقلیل مفهوم انتظار به محاسبات آسترولوژی

نعمتی با اشاره به «تقلیل مفهوم انتظار و ظهور به چارت‌های آسترولوژی» این امر را پیوند خطرناک معنویت‌های نوظهور با مباحث مهدویت دانست و بیان داشت: در طول تاریخ، انسان‌ها همواره به دنبال کشف رازهای آینده و روشن کردن ابهام‌های سرنوشت خود بوده‌اند. در این مسیر، عده‌ای با بهره‌گیری از ابزارهایی مانند آسترولوژی و طالع‌بینی تلاش کرده‌اند نه تنها

انتظار؛ رویکردی فعال و آگاهانه نه مبتنی بر پیشگویی

وی افزود: شاید بتوان گفت فلسفه این حکم، ریشه در حفظ اصل سرمایه اعتقادی شیعه در باب انتظار دارد: اگر هرازگاهی، زمانی برای ظهور تعیین شود و آن وعده محقق نشود، پیامد مستقیم آن، دلسردی جامعه منتظر و در نهایت، از دست رفتن باور به اصل اندیشه منجی‌گرایی خواهد بود و یا با اعتقاد به یک تاریخ جعلی آن انتظار سازنده‌ای که در عصر غیبت باید دنبال کنیم را رها کنیم. نعمتی خاطر نشان کرد: اینجاست که خطر پیشگوها، مدعیان و مروجان خرافاتی

برابر آسترونومی قرار می‌دهد.

نعمتی اظهار داشت: «آسترونومی» یا نجوم یکی از علوم فیزیکی است و برای مطالعه فضا از تلسکوپ‌ها و کاوشگرهای فضایی استفاده می‌کند. طرفداران پیشگویی و ستاره‌بینی، هیچ دلیل معتبر و مستنداتی برای اثبات حرف‌های خود ارائه نمی‌دهند و ادعاهایشان بیشتر به شبه علم و باورهای غیرمنطقی شبیه است. حتی اگر پایه‌های سست مبانی و ادله‌هایشان را کنار بگذاریم، در خود پیش‌بینی‌ها نیز با تناقض‌های بزرگی مواجهیم.

وقتی معنویت‌های نوپدید مسأله فرج را به بازی می‌گیرند

وی گفت: تقاطع خطرناکی میان آموزه‌های اصیل دینی و مهدوی با جریان‌های نوظهور معنوی در حال شکل‌گیری است؛ یکی از حساس‌ترین مواردی که مدعیان نوظهور در امر انتظار فرج ورود کرده‌اند، تعیین زمان ظهور حضرت حجت (عج) است.

این پژوهشگر معنویت‌های نوظهور تصریح کرد: این جریان‌های انحرافی با وعده آگاهی از اسرار هستی، غیب‌گویی و پیش‌بینی آینده مبتنی بر شبه علمی به نام آسترولوژی یا طالع‌بینی، دنبال‌کنندگان را مجذوب خود می‌کنند. روایات معصومان (ع) در باب مهدویت، به وضوح این موضوع را تبیین می‌کنند که نه تنها ما حق نداریم بر اساس نوسانات اجتماعی یا پدیده‌های طبیعی، به پیشگویی و تعیین وقت ظهور بپردازیم، بلکه وظیفه داریم ادعای کسانی که مدعی دانستن زمان ظهور هستند را صراحتاً تکذیب کرده و مانع انتشار چنین اظهاراتی شویم.



مانند آسترولوژیست‌ها (ستاره‌شناسان پیشگو) بیش از پیش نمایان می‌شود. این جریان‌ها، با استفاده از ابزارهای غیرعلمی و بی‌اعتبار یا با تأویل‌های غلط از متون، در تلاش‌اند تا انتظار سازنده فرج را به یک محاسبات عددی شبه علمی تقلیل دهند.

آموزه‌های معصومان درباره منع تعیین وقت ظهور

وی ادامه داد: آسترولوژرها با تعیین زمان‌های موهوم و دروغین، در واقع «انتظار فرج» را که ارزشمندترین ذخیره اعتقادی شیعه در عصر غیبت است را بازیچه و سرگرمی خود تبدیل کرده‌اند. تکلیف ما در باب انتظار روشن است: انتظار باید فعال، آگاهانه و بر مبنای نظام اندیشه اسلامی باشد، نه بر پایه پیشگویی‌های فاقد سندیت.

این پژوهشگر معنویت‌های نوظهور با بیان اینکه وظایف مؤمنان در عصر غیبت هم توسط اهل بیت (ع) بیان شده است، ابراز داشت: بر اساس آموزه‌های ادیان الهی و عقیده تمام مذاهب اسلامی، ظهور منجی و مصلح در آخر الزمان، یکی از وعده‌های قطعی و حتمی خداوند است. زمان دقیق ظهور حضرت ولی عصر (عج) یکی از اسرار الهی است که به طور کامل در علم و حکمت خداوند نهفته است و هیچکس به آن مطلع نیست.

وی گفت: در روایات نقل شده از معصومان (ع) نیز بارها تأکید شده که هرگونه پیش‌بینی یا تعیین زمان برای ظهور آن حضرت، کاملاً بی‌اعتبار و مردود است؛ بنابراین سخنانی که از سوی افراد درباره زمان مشخص ظهور

ارائه می‌شود، نه تنها پایه و اساسی ندارد، بلکه در روایات معصومین (ع) به صراحت چنین افرادی تکذیب شده‌اند. نعمتی بیان داشت: همانطور که می‌دانید پس از رحلت علی بن محمد سمری، چهارمین نایب خاص امام زمان (عج) دوره‌ای کاملاً جدید از غیبت به نام غیبت کبری آغاز شد که این دوران تا کنون ادامه داشته است. بر اساس احادیث معتبر و موثق، رخداد ظهور شریف ولی عصر (عج) تنها با اذن و فرمان خداوند متعال خواهد انجامید.

تعیین کنندگان وقت ظهور در آئینه روایات

وی با اشاره به اینکه رهبران معصوم (ع) همواره بر این نکته مهم تأکید کرده‌اند که تعیین هرگونه زمان دقیق برای وقوع این رویداد، انحراف است و از نظر شرعی غیرقابل پذیرش است، افزود: درباره نادرستی خبر دادن از زمان ظهور، در احادیث به چند نکته مهم اشاره شده است؛ از جمله در برخی احادیث، بیان شده است که ائمه (ع) هیچ‌گاه زمانی خاص را برای ظهور تعیین نمی‌کنند. امام صادق (ع) فرمودند که «ما اهل بیت، وقت تعیین نمی‌کنیم.»

این پژوهشگر معنویت‌های نوظهور با بیان اینکه در روایات دیگری، هرگونه تعیین وقت برای ظهور، هر چند بدون انتساب به معصومان (ع)، غیر واقعی و نادرست شمرده شده است، اظهار داشت: امام حسن عسکری (ع) در این رابطه فرمودند: «به هوش باشید که او (مهدی) غیبتی دارد که نادانان در آن، حیران می‌مانند و باطل‌اندیشان در آن هلاک می‌شوند و وقت‌گذاران در آن دروغ می‌بافند.»



نعمتی تصریح کرد: برخی امور، جزو علم ذاتی الهی هستند و اصلاً زمان انجام یافتنشان تقدیر نشده است تا خبر دادن از آن برای کسی ممکن باشد، همچنین احادیث دیگری وارد شده است مبنی بر اینکه احتمال «بدا در زمان ظهور» ممکن است رخ دهد، هیچ کس نمی‌تواند با اطمینان درباره وقت معین ظهور، سخن بگوید.

علم زمان ظهور؛ از اسرار الهی

وی ادامه داد: احادیث دیگری دال بر این است که اطلاع از وقت ظهور مختص خداوند متعال است. علی بن موسی الرضا (ع) فرمودند که «اما اینکه «چه هنگام؟»، خبر دادن از وقت قیام است که ما نمی‌گوییم؛ زیرا پدرم از پدرش از پدرانش برایم حدیث گفت که به پیامبر (ص) گفته شد: ای پیامبر خدا! قائم از فرزندان، کی خروج می‌کند؟ پیامبر (ص) فرمود: «مَثَلُ او، مانند قیامت است که کسی جز او از آن پرده بر نمی‌دارد. آن در آسمان‌ها و زمین بر ساکنانش سنگین است و جز ناگهان بر شما در نمی‌آید.



نقدی بر بازار پیشگویی در عصر بحران

نظری و تجربی قابل دفاع برخوردار نیستند. مطالعات روان‌شناختی نشان داده است که به اصطلاح «پیشگویی‌های درست» اغلب مشمول خطای تأیید (Confirmation Bias) و کلی‌گویی مبهم (Barnum Effect) هستند. به عبارت دیگر، پیشگویان حرفه‌ای با استفاده از جملات کلی، قابل انعطاف و غیرقابل ابطال، بهره‌ای از ترس و کنجکاوی مردم می‌برند. بسیاری از مواردی که پیشگویی نامیده می‌شوند، در واقع روندشناسی (Trend Analysis) است؛ مانند پیش‌بینی درگیری با آمریکا و اسرائیل به دلیل تنش‌های تاریخی، یا جهش قیمت ارز بر اساس داده‌های اقتصادی. این اطلاعات از رصد اخبار و تحلیل منطقی به دست می‌آیند و ربطی به «علم غیب» ندارند. اف————زون بر این،

رونق پیشگویی در سایه اضطراب جمعی است. در روزگاری که جنگ، تنش‌های سیاسی و بی‌ثباتی اقتصادی بر زندگی مردم سایه افکنده است، «بازار پیشگویی» به یکی از داغ‌ترین و پررونق‌ترین عرصه‌های فکری و رسانه‌ای تبدیل شده است. از تجربه‌های نزدیک به مرگ و تعبیر خواب‌ها گرفته تا کرامات‌نمایی‌های شتاب زده، طالع‌بینی و آسترولوژی و حتی علوم غریبه، همگی در کنار یکدیگر، ابزارهای متنوعی برای پاسخ به یک نیاز روانی ارائه می‌دهند: آرامش در برابر ابهام آینده و کسب منفعت و گریز از ضرر. اما آیا این پیشگویی‌ها، ارزش علمی یا دینی دارد؟ وظیفه عقل سلیم و دیانت راستین در قبال آن چیست؟ از منظر علمی، هیچ یک از روش‌های مذکور اعم از خواب‌ها، کرامات ادعایی، یا محاسبات نجومی، از پایه‌های

شگردهایی چون پیمباران خبری (ارسال حجم انبوهی از پیشگویی‌های مختلف در رسانه‌ها) و پیمان احتمالات متعدد این اطمینان کاذب را ایجاد می‌کند که «بالاخره یکی از این‌ها درست درمی‌آید» - همان تکنیکی که افرادی مثل آرش آنالیز، حسین سلکی، محمد حمزه قلعه خانی و... از آن استفاده می‌کنند.

ضامن بقای پیشگو و پیشگویی کلی گویی و مبهم گویی است که اگر از این قاعده اساسی شان تخطی کنند رسوا می‌شوند و عملاً راه فریب عوام برای آنها بسته می‌شود. جزئی گویی و اعلام دقیق زمان و مکان و حدود یک پیشگویی نقطه‌ای است که با رصد دقیق این آسترولوژیست‌ها و سایر پیشگوها دست‌شان رو می‌شود.

اسلام، پیشگویی را مسیر زندگی نمیداند. از منظر دین‌شناسی انتقادی، نگاه اسلام به آینده نگاهی تکلیف‌گرا، عمل‌محور است، نه سرنوشت‌محور و نتیجه‌محور.

بله در مواقعی نتایج یک عملی بر خلاف عقل سلیم و بر خلاف آموزه‌های شرعی است که در این جا هم عمل زیر سوال است و هم نتیجه آن. اما در موارد دیگر دانستن نتیجه یک فعل مانع از آن انجام آن نمیشود برای مثال اگر جهاد واجب بر عهده شخصی باشد و آن شخص آن یقین داشته باشد که شکست خواهند خورد به هیچ عنوان نمیتواند ترک فعل کند و میدان جهاد را رها کند.

در قرآن و سنت، هیچ دستوری برای توقف بر اطلاع از آینده از راه‌هایی مثل (مانند کهانت، جفر، رمل یا ...) وجود ندارد. برعکس، تأکید بر این است که انسان باید با ایمان، عقلانیت و تلاش، جایگاه خود را در تاریخ بسازد، نه آنکه منتظر خواندن برگه غیب بنشیند.

خطر بزرگ پیشگویی‌ها - حتی اگر گاه صادق از آب درآیند - آن است که قاعده انتخاب آگاهانه و ایمانی را از انسان می‌گیرند. اگر کسی بداند در جنگی حتمی پیروز است، دیگر عمل او از روی ایمان و اختیار نیست، بلکه از روی علم به نتیجه است. از سوی دیگر، اگر بداند شکست می‌خورد، انگیزه مقاومت از او سلب می‌شود. بدین ترتیب، پیشگویی به ابزاری برای تضعیف اراده جمعی می‌گردد.

قرآن کریم آنچه را که از دانستن آینده نیاز داشته‌ایم را تامین کرده است.

جالب آنکه قرآن خود به روشنی دو گونه «خبر از آینده» می‌دهد که هر دو در خدمت بیداری و حرکت هستند:

خداوند در پیشگویی قطعی پیروزی حق میفرماید:

کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی عزیز.
(مجادله 21) خداوند مقرر داشته که من و پیامبرانم پیروز خواهیم شد.

و لاتهنوا و لاتحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مومنین (آل عمران ۱۳۹) و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!

این یک پیشگویی ساختاری از تاریخ است؛ اما نه برای خوابیدن بر عدم تلاش، بلکه برای آنکه بدانیم تلاش در مسیر حق، بی‌نتیجه نمی‌ماند و لو اینکه به لحاظ ظاهری تاریخ دقیق آن پیروزی را ندانیم.

(ب) قانون علیت و پاداش تلاش:

موفقیت در آینده - چه در معیشت، چه در سیاست و چه در زندگی فردی - به همت، استقامت در عمل و مسیر، عقلانیت و توکل وابسته است، نه به دانستن وقایع آینده.

ب) نیاز به حس کنترل: وقتی ضعف اراده با جبر پوشانده می شود

در شرایط بحران (جنگ، بیماری، رکود اقتصادی)، احساس ناتوانی افزایش می یابد. پیشگویی، با نسبت دادن آینده به عواملی فراتر از اراده فرد (ستارگان، اعداد، خواب، کرامات) دو کار می کند:

انتقال مسئولیت: «تقصیر من نیست که این اتفاق می افتد، تقدیر چنین بوده است».

کنترل موهوم: دانستن نتیجه، حتی بد، احساس آمادگی کاذب ایجاد می کند. کسی که بداند «هفته آینده سیل می آید» هرچند نمی تواند جلوی سیل را بگیرد، اما احساس می کند اندکی از بلا تکلیفی خارج می شود.

هیچ کس صرفاً با اطلاع از آینده، ثروتمند یا موفق نشده است. بلکه موفقان کسانی اند که یاد گرفته اند، تجربه کرده اند، خطر کرده اند و به سنت الهی «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (رعد: ۱۱) اعتماد دارند.

زندگی بدون وقفه بر آینده

بازار پررونق پیشگویی امروز، بازتاب اضطراب جمعی، گریز از مسئولیت و اعتیاد به دانستن آینده است. اسلام به ما یادآوری می کند که زندگی نباید متوقف بر اطلاع از آینده شود. آینده را نه با فال و طالع، که با حرکت هوشمندانه، اخلاق مداری و توکل بر خدای توان ساخت.

چرا انسان ها مشتاق دانستن آینده هستند؟

پیشگویی، از کهن ترین دوران بشر تا عصر دیجیتال، همواره نقشی پررنگ در زندگی فردی و جمعی داشته است. اما راز این جذابیت پایدار چیست؟

الف) کاهش اضطراب وجودی: نیاز به قطعیت در ابهام

انسان موجودی «معناگرا» است که از عدم قطعیت بیزار است و آینده هم ذاتاً مبهم و غیرقابل کنترل است، پس پیشگویی، هرچند نادرست، توهمی از «قابل پیش بینی بودن جهان» ایجاد می کند که مستقیماً اضطراب ناشی از ندانستن را کاهش می دهد.

مطالعات رصدی و مصاحبه ای با طرفداران این حوزه نشان می دهد که حتی یک پیشگویی منفی (مثلاً «سال سختی در پیش داری») گاهی ترجیح داده می شود بر «هیچ خبری از آینده نداشتن»، زیرا ذهن از سقوط در خلأ اطلاعاتی بیزار است.